

مجله اقتصادی

شماره‌های ۱ و ۲، فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۰، صفحات ۲۶-۵

بررسی شاخص‌های حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی

علی عفری

دکتری مدیریت دولتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

Afriali260@gmail.com

احمدرضا ظاهری فرد

کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه آزاد

اجتناب از مالیات به هرگونه تلاش غیرقانونی برای پرداخت نکردن مالیات مانند ندادن اطلاعات لازم در مورد عواید و منافع مشمول مالیات به مقامات مسئول گفته می‌شود. در این پژوهش ۱۰۹ شرکت در بازه زمانی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۳ مورد آزمون قرار گرفته‌اند. نتایج برآورد مدل رگرسیون تحقیق نشان می‌دهد اندازه هیأت‌مدیره در سطح خطای ۵٪ معنادار بوده و رابطه مستقیم با اجتناب از پرداخت مالیات شرکت‌ها داشته است. در نتیجه می‌توان ادعا کرد با افزایش تعداد اعضای هیأت‌مدیره اجتناب از پرداخت مالیات افزایش می‌یابد. نتایج برآورد مدل رگرسیون فرضیه دوم یعنی اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره در سطح خطای ۵٪ معنادار بوده و رابطه معکوس با اجتناب از پرداخت مالیات شرکت‌ها داشته است. بدین معنا که با افزایش تعداد اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره اجتناب از پرداخت مالیات کاهش می‌یابد. نتایج برآورد مدل رگرسیون فرضیه سوم یعنی جدا بودن هیأت‌مدیره از مدیرعامل در سطح خطای ۵٪ معنادار بوده و رابطه مثبت و مستقیمی با اجتناب مالیاتی شرکت داشته است؛ یعنی در صورت جدا بودن هیأت‌مدیره از مدیرعامل اجتناب از پرداخت مالیات افزایش می‌یابد. واژگان کلیدی: اجتناب مالیاتی، حاکمیت شرکتی، اندازه هیأت‌مدیره، اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره، جدا بودن رئیس هیأت‌مدیره از مدیرعامل.

۱. مقدمه

وظایف دولت‌ها در حال حاضر نسبت به گذشته دستخوش تغییرات بسیاری شده و گسترش فوق‌العاده‌ای یافته است که قطعاً نیاز به درآمدهای مناسبی دارد. دولت از طریق درآمدهایی که کسب می‌کند قادر به تأمین هزینه‌های خود خواهد شد و مالیات یکی از موارد بسیار حائز اهمیت در منابع درآمدی دولت‌ها قلمداد می‌شود. از جمله انواع مالیات، مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی است (دوانی، ۱۳۸۴).

مالیات در یک نگاه ابزاری در خدمت درآمد دولت است؛ اما در نگاهی دقیق‌تر، سیاست‌های مالیات را نشان می‌دهد که ابزار مؤثر و کارآمد در توسعه مسیر اقتصادی و ایجاد سمت‌وسوی پویا و مولد برای اقتصاد کشور است. سیاست‌های مالیات بر رفتار عاملان اقتصاد، به خصوص شرکت‌ها تأثیر دارند. تصمیمات مربوط به فعالیت‌های عملیاتی شرکت ممکن است در نتیجه تغییر قوانین و مقررات مالیات تأثیر گذارد. با این حال، از دیدگاه مالیات‌دهندگان، به‌ویژه شرکت‌ها، مالیات یک بار مسئولیتی هم برای شرکت و هم برای ذی‌نفعان است. از آنجا که مردم نسبت به پرداخت مقدار زیادی از مالیات به مقامات مالیاتی تردید دارند، آن‌ها استراتژی‌های مالیاتی را برای به حداقل رساندن، رفع و یا به تعویق انداختن بدهی مالیاتی به کار می‌گیرند. با توجه به مسئله نمایندگی که بین مدیریت به عنوان نماینده و سهامداران به عنوان مالک وجود داشته است، انتظار می‌رود که این دو مکانیسم (مدیر و مالک) به عنوان اهرم فشار برای مدیریت برنامه‌ریزی مالیاتی عمل نمایند؛ بنابراین موجب دستیابی به منافع سهامداران یعنی مالیات کمتر و بازده بالاتر پس از کسر مالیات می‌گردد. همچنین با تنظیم مقررات قوی‌تر در ارتباط با حاکمیت شرکتی و فعالیت سهامداران فعال که نقش محافظت منافع سهامداران را بر عهده دارند، سهامداران انتظار بیشتری از نقش حاکمیت شرکتی به عنوان یک راه‌حل برای مسئله نمایندگی، به خصوص در امور مالیاتی دارند.

یکی از فرض‌های اساسی در ادبیات مالی آن است که هر شرکتی با هدف حداکثر ساختن ثروت سهامداران خود تشکیل می‌شود و به منظور دستیابی به هدف مذکور، مدیریت شرکت باید در تصمیم‌گیری‌های خود، به عامل بازده توجه داشته باشد. وجود مالیات بر درآمد شرکت‌ها باعث کاهش عایدات واحد تجاری می‌گردد. بنابراین یکی از اقداماتی که می‌تواند در جهت حداکثر

ساختن ارزش شرکت و ثروت سهامداران انجام پذیرد، استفاده از راهکارهایی است که از طریق آن‌ها

مالیات پرداختنی کاهش یابد. اجتناب مالیاتی به عنوان راهکار کاهش میزان مالیات تعلق گرفته به سود حاصل از عملکرد واحدهای تجاری تعریف می‌شود، اجتناب مالیاتی شامل زنجیره‌ای از فعالیت‌ها و برنامه‌های استراتژیک کاملاً قانونی و پیش‌رونده در اخذ معافیت مالیاتی است که منجر به وجود آمدن فضای خاکستری در ارائه اطلاعات و گزارش‌های مالی و مالیاتی به افراد برون‌سازمانی می‌گردد (حانلون و هیتزمان^۱، ۲۰۰۹). در نتیجه اجتناب از پرداخت مالیات، در حال تبدیل شدن به نگرانی اصلی دولت‌هاست (گراویل^۲، ۲۰۰۹).

هدف این پژوهش بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. و تلاش می‌شود که به این سه سؤال پاسخ داده شود که آیا اندازه هیأت مدیره با اجتناب مالیاتی رابطه معنادار وجود دارد؟ آیا اعضای غیرموظف هیأت مدیره (استقلال هیأت مدیره) با اجتناب مالیاتی رابطه معنادار وجود دارد؟ آیا بین دوگانگی نقش مدیرعامل (جدا بودن هیأت مدیره از مدیرعامل) با اجتناب مالیاتی رابطه معنادار وجود دارد؟

۲. مبانی نظری

۲-۱. حاکمیت شرکتی

فدراسیون بین‌المللی حسابداران (IFAC)^۳ در سال ۲۰۰۴ حاکمیت شرکتی را چنین تعریف کرده است: حاکمیت شرکتی (حاکمیت واحد تجاری) عبارت است از تعدادی مسئولیت‌ها و شیوه‌های به کار برده شده توسط هیأت مدیره و مدیران موظف با هدف مشخص کردن مسیر استراتژیک که تضمین‌کننده دستیابی به هدف‌ها، کنترل ریسک‌ها و مصرف مسئولانه منابع است.

۲-۲. اجتناب از مالیات

هرگونه تلاش غیرقانونی برای پرداخت نکردن مالیات مانند ندادن اطلاعات لازم در مورد عواید و منافع مشمول مالیات به مقامات مسئول، فرار مالیاتی خوانده می‌شود. تعریف فرار مالیاتی، برای انواع

1. Hanlon and Shevlin
2. Grovel
3. International Federation of Accountants

مالیات‌ها یکسان است. در فرار مالیاتی، به‌رغم تطبیق فعالیت با قوانین، در اجرای فعالیت یک یا چند ضابطه مصوب مراجع ذی‌ربط تعمداً نادیده گرفته می‌شود. تمایز مفهومی بین فرار مالیاتی و اجتناب از پرداخت مالیات به قانونی یا غیرقانونی بودن رفتار مؤدیان مربوط می‌شود. فرار مالیاتی، یک نوع تخلف از قانون است. وقتی که یک مؤدی مالیاتی از ارائه گزارش درست در مورد درآمدهای حاصل از کار یا سرمایه خود که مشمول پرداخت مالیات می‌شود، امتناع می‌کند، یک نوع عمل غیررسمی انجام می‌دهد که او را از چشم مقامات دولتی و مالیاتی کشور دور نگه می‌دارد؛ اما در اجتناب از مالیات، فرد نگران نیست که عمل او افشا شود. اجتناب از مالیات، از خلأهای قانونی در قانون مالیات‌ها نشأت می‌گیرد (رحمتی نودهی، ۱۳۹۴).

۲-۳. اندازه هیأت مدیره

هیأت مدیره یا گروه راهبران یک شورا متشکل از اعضای انتخاب شده یا انتصاب شده است که سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری کلان سازمان را بر عهده دارند. یکی از وظایف اصلی هیأت مدیره انتصاب مدیرعامل و نظارت بر عملکرد وی است (اصلاحیه قانون تجارت، ۱۳۸۶).

۲-۴. استقلال هیأت مدیره

اعضای غیرموظف هیأت مدیره از طریق نظارت بر مدیران موظف، بر روی تصمیمات آنان نظارت دارند. در نتیجه ترکیب هیأت مدیره می‌تواند بر عملکرد مالی شرکت‌ها اثرگذار باشد. در صورتی که اکثریت اعضای هیأت مدیره را مدیران مستقل غیرموظف تشکیل دهد، هیأت مدیره از کارایی بیشتری برخوردار خواهد بود (حساس یگانه، ۱۳۸۷).

۲-۵. دوگانگی نقش مدیرعامل

دوگانه بودن مسئولیت مدیرعامل هنگامی رخ می‌دهد که مدیرعامل (CEO) شرکت به عنوان رئیس هیأت مدیره هم انتخاب شود (مینگ و نوگا، ۲۰۰۶).

۳. پیشینه پژوهش

قایمی و شهریاری (۱۳۸۸) در تحقیقی به بررسی اصول راهبری شرکت‌ها و عملکرد شرکت‌ها پرداختند. هدف از این مقاله، تعیین رابطه بین اجزای ساختار اصول راهبری شرکت‌ها شامل ترکیب هیأت مدیره، ساختار مالکیت و افشای اطلاعات با عملکرد شرکت‌ها بود. یافته‌های آنان نشان داد که بین افشای اطلاعات و عملکرد شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

باباجانی و عبدی (۱۳۸۹) در تحقیقی به بررسی رابطه اصول راهبری شرکت‌ها و سود مشمول مالیات شرکت‌ها پرداختند. در این پژوهش رابطه بین اصول راهبری شرکت‌ها و سود مشمول مالیات ارزیابی شده است. این ارزیابی از طریق بررسی رابطه بین برخی از معیارهای مهم اصول راهبری شرکت‌ها شامل درصد اعضای غیرموظف در ترکیب هیأت مدیره، نقش ترکیبی مدیرعامل (دوگانگی وظایف مدیرعامل) و سهامداران نهادی با درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی صورت گرفته است. نتایج تحقیق بیانگر عدم تفاوت معنادار بین میانگین درصد اختلاف سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی در گروه شرکت‌هایی که معیارهای اصول راهبری شرکت‌ها را دارا هستند با گروه شرکت‌هایی که معیارهای اصول راهبری شرکت‌ها را دارا نیستند، بوده است. این در حالی است که در هر دو گروه شرکت‌ها، درصد اختلاف بین سود مشمول مالیات ابرازی و قطعی معنادار بوده است.

مهرانی و سیدی (۱۳۹۲) نشان دادند رابطه مثبت و معناداری بین سطح اجتناب مالیاتی و اختلاف مالیات تشخیصی و ابرازی وجود دارد. نتیجه آن تحقیق نشان می‌داد دولت تمایل دارد از شرکت‌هایی که اجتناب مالیاتی می‌نمایند؛ مالیات بیشتر اخذ نماید؛ در نتیجه، سیاست کاهش مالیات به وسیله استراتژی اجتناب مالیاتی ممکن است کارایی لازم را برای این شرکت‌ها نداشته باشد. از سوی دیگر، باباجانی و عبدی (۱۳۸۹) دریافتند حاکمیت شرکتی مطلوب یا ضعیف، تأثیری بر ابراز صحیح سود مشمول مالیات شرکت‌های مورد بررسی نداشته است.

دسایی و دارماپالا^۱ (۲۰۰۶) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که نرخ‌های مالیاتی بالا، باعث بدتر شدن سیستم‌های اصول راهبری شرکت‌ها می‌شود و برعکس نرخ‌های پایین مالیاتی باعث بهبود سیستم‌های اصول راهبری شرکت‌ها شده و افزایش درآمدهای مالیاتی را در پی خواهد داشت. سارتوری^۲ (۲۰۰۸)، نشان داد که واکنش‌های بین حاکمیت شرکتی و مالیات به صورت متقابل بوده، در حقیقت، از یک سو، قواعد حاکمیت شرکتی تأثیرات ساختاری در برآورده کردن تعهدات مالیاتی شرکت‌ها دارد و از سوی دیگر، طرح‌های مالیاتی (از دیدگاه دولت) و ارتباط دادن آن‌ها به استراتژی‌های مالیاتی (از دیدگاه شرکت) می‌تواند تأثیر بسزایی در ایجاد یک حاکمیت شرکتی پویا داشته باشد.

دسایی و دارماپالا^۳ (۲۰۰۹) پس از بررسی رابطه اجتناب از مالیات و ارزش شرکت، به دیدگاه ارزش‌آفرینی برای فعالیت‌های اجتناب از مالیات رسیدند. آن‌ها با تشکیل نمونه‌ای از شرکت‌های بزرگ سهامی عام آمریکایی، اثر اجتناب از مالیات بر منافع سهامداران را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد که میانگین اثر اجتناب از مالیات بر ارزش شرکت تفاوت اساسی با صفر ندارد اما برای شرکت‌هایی که ساختار حاکمیتی قوی (نظیر مالکیت نهادی بالاتر) دارند، رابطه مثبت میان اجتناب از مالیات و ارزش شرکت وجود دارد. یافته آن‌ها دلالت بر این دارد که در محیطی که نظارت و کنترل به طور مؤثر تلاش‌های فرصت‌طلبانه مدیریت را از طریق استفاده از فعالیت‌های اجتناب از مالیات محدود می‌کند، اجتناب از مالیات سود خالص به همراه دارد. کرانا و موسر^۴ (۲۰۱۰) به این موضوع پرداختند که آیا مالکیت نهادی بر اجتناب از مالیات مؤثر است یا خیر. آن‌ها برای اندازه‌گیری اجتناب از مالیات از نرخ مؤثر مالیات نقدی ۵ ساله و BTD دائمی سالانه طی سال‌های ۱۹۹۵ الی ۲۰۰۸ استفاده کردند و به این نتیجه رسیدند که شرکت‌هایی با سطح مالکیت نهادی بالاتر عموماً از پرداخت مالیات، بیشتر اجتناب می‌کنند. (مشایخی و صبری، ۱۳۹۴).

-
1. Desaia & Dharmapala
 2. Sartori
 3. Desai, M. A., and D. Dharmapala
 4. Krana and Moser

چن و همکاران^۱ (۲۰۱۰) سطح اجتناب از مالیات شرکت‌های خانوادگی و غیر خانوادگی را با یکدیگر مقایسه کردند و به این نتیجه رسیدند که شرکت‌های خانوادگی نسبت به رقبای خود از پرداخت مالیات کمتر اجتناب می‌کنند. منظور از شرکت‌های خانوادگی، شرکت‌هایی هستند که اعضای خانواده مؤسس شرکت، اعم از نسبی و سببی، در مقام مدیریت ارشد، هیأت‌مدیره یا سهامداران عمده و بلوکی به فعالیت خود ادامه می‌دهند.

۴. روش‌شناسی پژوهش

۴-۱. روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت از نوع همبستگی است. این پژوهش رویکردی قیاسی - استقرایی دارد و در میان انواع تحقیقات همبستگی جزء تحلیل‌های رگرسیونی است. همچنین با توجه به اینکه داده‌های مورد استفاده در پژوهش حاضر اطلاعات واقعی و تاریخی است، آن را می‌توان از نوع پس‌رویدادی^۲ طبقه‌بندی کرد.

۴-۲. دوره پژوهش و جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳ است. برای تعیین نمونه آماری از روش حذفی سیستماتیک استفاده شده است. بدین ترتیب کلیه شرکت‌های عضو جامعه آماری که دارای شرایط زیر بوده جزء نمونه آماری لحاظ شده و آن دسته از شرکت‌هایی که حداقل یکی از این شرایط را نداشته‌اند از نمونه آماری حذف شده‌اند. برای این منظور ۶ معیار در نظر گرفته شده است و در صورتی که یک شرکت کلیه معیارها را احراز کرده باشد به عنوان یکی از شرکت‌های نمونه انتخاب شده است. معیارهای مذکور به شرح زیر می‌باشند:

الف) قبل از سال ۱۳۸۷ در بورس پذیرفته‌شده باشند.

ب) صورت‌های مالی خود را در دوره زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳ به بورس ارائه کرده باشند.

ج) انتهای سال مالی آن‌ها ۲۹ اسفندماه هر سال باشد.

1. Chen, Chen, Cheng, and Shevlin

2. Expost Facto

(د) طی سال‌های مالی یادشده تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداشته باشند.
 (ه) اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه متغیرهای تحقیق در سال‌های مورد بررسی موجود باشد.
 (و) جزو شرکت‌های واسطه‌گری مالی نباشد.
 با اعمال شرایط فوق تعداد ۱۰۹ شرکت (معادل ۷۶۳ سال-شرکت) جهت برآورد مدل‌ها و آزمون فرضیه‌های تحقیق انتخاب شده‌اند.

در این تحقیق، گردآوری اطلاعات و داده‌های مورد نیاز در دو مرحله انجام شده است. در مرحله اول برای تدوین مبانی نظری تحقیق از روش کتابخانه‌ای (و مراجعه به پایان‌نامه‌ها و مقالات فارسی و انگلیسی از طریق سایت‌های مربوطه) و در مرحله دوم، برای گردآوری داده‌های مورد نظر از اطلاعات ارائه شده در سایت اطلاع‌رسانی بانک مرکزی و صورت‌های مالی ارائه شده به سازمان بورس اوراق بهادار و سایر منابع اطلاعاتی مرتبط مانند بانک اطلاعاتی ره‌آورد نوین استفاده شده است.

۵. فرضیه‌های تحقیق

بر اساس چارچوب ارائه شده در مبانی نظری و بر اساس پژوهش‌های قبلی فرضیه تحقیق به صورت زیر بیان می‌شود:

فرضیه اول: بین اندازه هیأت‌مدیره با اجتناب مالیاتی رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه دوم: بین اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره (استقلال هیأت‌مدیره) با اجتناب مالیاتی رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه سوم: بین دوگانگی نقش مدیرعامل (جدا بودن رئیس هیأت‌مدیره از مدیرعامل) با اجتناب مالیاتی رابطه معنادار وجود دارد.

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از مدل‌های رگرسیون به شرح زیر استفاده شده است:

$$\text{Tax Avoid}_{it} = \beta_0 + \beta_1(\text{BSize}_{it}) + \beta_2(\text{DR}_{it}) + \beta_3(\text{Size}_{it}) + \varepsilon_{it}$$

$$\text{Tax Avoid}_{it} = \beta_0 + \beta_1(\text{Indep}_{it}) + \beta_2(\text{DR}_{it}) + \beta_3(\text{Size}_{it}) + \varepsilon_{it}$$

$$\text{Tax Avoid}_{it} = \beta_0 + \beta_1(\text{Dual}_{it}) + \beta_2(\text{DR}_{it}) + \beta_3(\text{Size}_{it}) + \varepsilon_{it}$$

۶. متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته در این پژوهش اجتناب مالیاتی است. برای عملیاتی کردن اجتناب مالیاتی، الگوی معرفی شده توسط مهرانی و سیدی (۱۳۹۲) است که به صورت ذیل بیان گردیده:

نرخ واقعی مالیات - نرخ قانونی مالیات = اجتناب مالیاتی

نرخ قانونی مالیات: طبق ماده ۱۰۵ اصلاحی قانون مالیات‌های مستقیم، مصوب سال ۱۳۸۰، سهم دولت ۲۵ درصد از سود اشخاص حقوقی است که باید در وجه دولت واریز شود.

نرخ واقعی مالیات شرکت از تقسیم هزینه مالیات (مالیات بر درآمد)، بر درآمد قبل از کسر مالیات به دست می‌آید. این نرخ نشان می‌دهد مالیات بر درآمد شرکت چند درصد درآمد قبل از کسر مالیات است.

نحوه محاسبه این متغیرهای مستقل به شرح زیر است:

- اندازه هیأت‌مدیره (Board Size): تعداد اعضای هیأت‌مدیره؛
- اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره (Independent): نسبت اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره به کل هیأت‌مدیره؛
- جدا بودن رئیس هیأت‌مدیره از مدیرعامل (Dual): در صورتی که رئیس هیأت‌مدیره مدیرعامل باشد عدد یک و در غیر این صورت برابر صفر خواهد بود.
- سرمایه‌گذاران نهادی (Institutional Ownership): مجموع درصد سهام شرکت که متعلق به بانک‌ها، بیمه‌ها، نهادهای مالی، شرکت‌های هولدینگ و سازمان‌ها و نهادها و شرکت‌های دولتی می‌باشند.

متغیرهای کنترلی شامل:

- اندازه واحد تجاری: که عبارت است از لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌ها؛
 - اهرم مالی (DR): که عبارت است از مجموع بدهی‌ها تقسیم بر مجموع دارایی‌ها.
- برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از تحلیل ضریب همبستگی و رگرسیون چندگانه با داده‌های ترکیبی استفاده شده است. داده‌های مورد نیاز برای آزمون فرضیه‌ها، از نرم‌افزار ره‌آورد نوین همچنین صورت‌های مالی شرکت‌ها استخراج شد و پس از آماده‌سازی داده‌ها در نرم‌افزار Excel، تجزیه و تحلیل و آزمون فرضیه‌ها توسط نرم‌افزار آماری Eviews ۸ انجام شده است.

۷. یافته‌های پژوهش

۷-۱. آماره‌های توصیفی پژوهش

در این بخش و قبل از انجام آزمون فرضیه، آماره‌های توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق در نگاره (۱) ارائه شده‌اند. آماره‌های مذکور شمایی کلی از وضعیت توزیع داده‌های تحقیق ارائه می‌نمایند. نتایج ارائه شده نشان می‌دهد که میانگین متغیرهای وابسته یعنی اجتناب مالیاتی ۰.۱۴۴ است که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. میانه یکی دیگر از شاخص‌های مرکزی است که وضعیت جامعه را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود میانه این متغیر ۰.۱۴۱ است که نشان می‌دهد که نیمی از داده‌ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند. به طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. در بین متغیرهای تحقیق اجتناب مالیاتی و اندازه شرکت به ترتیب دارای کمترین و بیشترین میزان پراکندگی می‌باشند. میزان عدم تقارن منحنی فراوانی را چولگی می‌نامند. اگر ضریب چولگی صفر باشد، جامعه کاملاً متقارن است و چنانچه این ضریب مثبت باشد، چولگی به راست و اگر ضریب منفی باشد چولگی به سمت چپ است. متغیر جدایی رئیس هیأت‌مدیره از مدیرعامل کمترین عدم تقارن و اندازه هیأت‌مدیره بیشترین عدم تقارن را نسبت به توزیع نرمال دارند.

نگاره (۱): آماره‌های توصیفی تحقیق

متغیر	اجتناب مالیاتی	اندازه هیأت‌مدیره	جدایی رئیس هیأت‌مدیره از مدیرعامل	اعضای غیرموظف	اندازه شرکت	اهرم مالی
میانگین	۰.۱۴۴	۵.۰۳۰	۰.۷۸۸۱	۰.۴۱۲	۵.۷۷۶۵	۰.۶۵۵۲
میانه	۰.۱۴۱	۵	۱.۰۰۰	۰.۶۰۰	۵.۷۳۳۰	۰.۶۶۹۹
بیشینه	۰.۲۵	۷	۱.۰۰۰	۰.۸۵۷	۸.۶۴۵۲	۰.۹۸۷۴
کمینه	۰.۰۰	۳	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۳.۰۳۹۰	۰.۰۰۰۰
انحراف معیار	۰.۰۸۷	۰.۳۹۷	۰.۴۰۹۰	۰.۳۲۵۶	۰.۶۳۰۹	۰.۱۷۸۵
چولگی	۰.۰۱۱	۲.۲۶۲	-۱.۴۱۶	-۰.۲۷۵۶	۰.۶۶۳۷	-۰.۶۹۶۹
کشیدگی	۱.۴۰۳	۲۳.۳۶۹	۳.۰۰۶	۱.۳۹۴	۵.۴۰۸۸	۳.۶۴۲۹

منبع: محاسبات محقق

۲-۷. آزمون ضرایب همبستگی بین متغیرها

برای تعیین میزان ارتباط بین متغیرها از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است و نتایج آن در نگاره (۲) ارائه شده است. همان‌طور که در این جدول مشاهده می‌شود، میزان همبستگی بین متغیرهای تحقیق، نشان‌دهنده همبستگی معنادار بین این متغیرهاست.

نگاره (۲): ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای تحقیق

متغیر	اجتناب مالیاتی	اندازه هیأت‌مدیره	جدایی رئیس هیأت‌مدیره از مدیرعامل	اعضای غیرموظف	اندازه شرکت	اهرم مالی
اجتناب مالیاتی	۱					
اندازه هیأت‌مدیره	۰.۰۲۰	۱				
جدایی رئیس هیأت‌مدیره از مدیرعامل	۰.۰۱۵	۰.۰۳۹	۱			
اعضای غیرموظف	-۰.۰۵۳	۰.۰۱۲	-۰.۰۱۰	۱		
اندازه شرکت	۰.۱۰۱	۰.۰۳۵	۰.۰۲۲	۰.۰۰۳	۱	
اهرم مالی	-۰.۰۱۴	۰.۰۲۹	۰.۰۵۶	۰.۰۰۲	۰.۱۷۵۳	۱

مأخذ: محاسبات محقق

۳-۷. آزمون مانایی و پایایی تحقیق

قبل از تجزیه و تحلیل و آزمون فرضیه‌ها بایستی پایایی متغیرهای تحقیق مورد بررسی قرار گیرد. آزمون ریشه واحد با استفاده از روش‌های آزمون لوین، لین و چو (۲۰۰۲)، آزمون ریشه واحد فیشر، دیکی فولر تعمیم‌یافته^۱ و آزمون ریشه واحد فیشر فلیپس پرون (۲۰۰۱) انجام شده است. نتایج آزمون مانایی متغیرها نشان می‌دهد که Prob تمامی متغیرها کمتر از ۵٪ درصد بوده و متغیرهای پژوهش مانا می‌باشند؛ بنابراین، فرضیه صفر مبنی بر ریشه واحد داشتن متغیرها رد می‌شود. نتایج آزمون‌ها در نگاره (۳) ارائه شده‌اند.

1. Fisher – Augmented Dickey-Fuller Unit Root Test(Fisher-ADF)

نگاره (۳): آزمون ریشه واحد برای متغیرها

متغیرها		لوین، لین و چو		فیشردیکی فولر تعمیم یافته		فیشرفلیس / پرو	
آماره		P.V		p.v		p.v	
اجتناب مالیاتی	-۳۶.۰۳	۰.۰۰۰	۲۸۰.۲۰۶	۰.۰۰۰	۳۰۲.۵۰۶	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰
اندازه هیأت مدیره	-۱۰.۶۸	۰.۰۰۰	۴۹.۴۰۵	۰.۰۰۰	۵۶.۳۱۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰
جدایی رئیس هیأت مدیره از مدیرعامل	-۳۶.۸۳۱	۰.۰۰۰	۴۶.۵۸۷	۰.۰۰۷	۷۰.۴۸۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰
اعضای غیرموظف	-۴.۲۸۳	۰.۰۰۰	۹۷.۰۵۴	۰.۸۰۶	۱۰۳.۴۸۲	۰.۶۵۷	۰.۰۰۰
اندازه شرکت	-۱۲۱.۶۳۹	۰.۰۰۰	۲۵۲.۲۸۳	۰.۰۵۵	۱۶۵.۱۶۶	۰.۹۹۷	۰.۰۰۰
اهرم مالی	-۲۰.۶۱۱	۰.۰۰۰	۲۷۳.۰۱۱	۰.۰۰۵	۲۹۵.۵۸۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰

مأخذ: محاسبات محقق

۴-۷. مراحل تخمین مدل به وسیله داده‌های ترکیبی

برای انتخاب بین روش‌های داده‌های تابلویی و داده‌های تلفیقی، از آزمون F لیمر (چاو) استفاده شد. در آزمون F لیمر، فرضیه H_0 یکسان بودن عرض از مبدأها (داده‌های تلفیقی) در مقابل فرضیه مخالف H_1 ، ناهمسانی عرض از مبدأها (روش داده‌های تابلویی) قرار می‌گیرد. با توجه به نگاره (۴)، در این تحقیق فرضیه H_0 تأیید شده لذا از داده‌های تلفیقی استفاده شده است.

نگاره (۴): نتایج آزمون F فیشر (همسانی عرض از مبدأهای مقاطع)

آزمون چاو	آماره F	p-value	Df	نتیجه آزمون	نوع آزمون
عرض از مبدأ مقاطع یکسان است	۱.۴۲۰	۰.۲۰۴	۶.۷۵۰	H_0 رد نمی‌شود	مدل داده‌های تلفیقی

۵-۷. نتایج برآورد مدل پژوهش

فرضیه این پژوهش به طور کلی برای بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تدوین شده است. به منظور آزمون فرضیه‌های مزبور و تحلیل رد یا تأیید فرضیه‌ها از مدل رگرسیونی زیر استفاده می‌شود:

فرضیه اول:

بین اندازه هیأت مدیره با اجتناب مالیاتی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

$$\text{Tax Avoid}_{it} = \beta_0 + \beta_1(\text{BSize}_{it}) + \beta_2(\text{DR}_{it}) + \beta_3(\text{Size}_{it}) + \varepsilon_{it}$$

فرض‌های آماری مربوط به این فرضیه به صورت زیر است:

H_0 : بین اندازه هیأت‌مدیره و اجتناب مالیاتی رابطه مستقیمی وجود دارد.

H_1 : بین اندازه هیأت‌مدیره و اجتناب مالیاتی رابطه مستقیمی وجود ندارد.

نگاره (۵): نتایج آزمون فرضیه اول

F-Static P. Value	Adjusted R-squared	R-squared	p-value	t-static	شرح
			۰.۰۰۰	۳.۱۶۰	عرض از مبدأ
۱.۹۳۲			۰.۰۰۲	۲.۸۱۹	Bsize
۰.۰۴۴	۰.۴۳	۰.۴۴	۰.۰۰۰	-۳.۳۳۷	Leverag
			۰.۰۰۰	۳.۹۰۴	Size

دوربین واتسون ۱۸۶۰۲

منبع: محاسبات محقق

در این فرضیه متغیر وابسته، اجتناب مالیاتی و متغیر مستقل، اندازه هیأت‌مدیره است. با توجه به نتایج نگاره شماره (۲) همبستگی بین اندازه هیأت‌مدیره و اجتناب از پرداخت مالیات ۰.۰۲۰ بوده است. ضریب همبستگی، میزان تغییرپذیری در متغیر وابسته که می‌تواند به وسیله رگرسیون آن را توضیح داده شود.

آزمون معنادار بودن ضرایب همان چیزی است که پژوهشگر به دنبال آن است. در واقع این آزمون علاوه بر تعیین معناداری ضرایب، جهت اثر آن ضرایب بر متغیر وابسته را نیز تعیین می‌کند. آماره مربوط برای تعیین معناداری ضرایب، آماره t استیودنت است.

نتایج آزمون مدل تحقیق و آماره t مزبور به فرضیه اول در نگاره شماره (۵) نشان داده شده است. نتایج این جدول بیان می‌کند که مقدار آماره p -value برای متغیر فرضیه اول، یعنی اندازه هیأت‌مدیره ۰.۰۰۲ است. با توجه به این که سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش ۰/۰۵ بوده است، بنابراین متغیر اندازه هیأت‌مدیره تأثیر معناداری بر اجتناب مالیاتی داشته است و فرضیه اول پژوهش با اطمینان ۹۵٪ مورد تأیید قرار می‌گیرد.

ضریب متغیر مستقل یعنی اندازه هیأت‌مدیره، مثبت است. در نتیجه، نوع رابطه اندازه هیأت‌مدیره و اجتناب مالیاتی رابطه‌ای مستقیم است. به بیان دیگر، با افزایش اندازه هیأت‌مدیره، اجتناب از پرداخت مالیات نیز به همان اندازه افزایش می‌یابد.

همان گونه که در جدول (۵) مشاهده می شود، آماره F با سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار است. بنابراین، مدل تحقیق در کل معنی دار بوده و متغیر وابسته توانایی توضیح متغیرهای مستقل و کنترل را دارد. علاوه بر این، ضریب تعیین تعدیل شده حاصل از آزمون مدل ۰.۴۴ بوده است. این رقم نشان می دهد که حدوداً ۰.۴۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته یعنی اجتناب مالیاتی ناشی از متغیرهای مستقل و کنترل موجود در مدل بوده و ۰.۵۶ درصد دیگر تغییرات آن ناشی از سایر عوامل است. همچنین ملاحظه مقادیر آماره دورین - واتسون (۱.۸۶۰۲) مؤید این مطلب است که بین اجزا اخلال مدل، خودهمبستگی وجود ندارد زیرا این مقادیر در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ می باشند.

فرضیه دوم:

بین اعضای غیرموظف هیأت مدیره (استقلال هیأت مدیره) با اجتناب مالیاتی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

$$\text{Tax Avoid}_{it} = \beta_0 + \beta_1 (\text{independ}_{it}) + \beta_2 (\text{DR}_{it}) + \beta_3 (\text{Size}_{it}) + \varepsilon_{it}$$

فرض های آماری مربوط به این فرضیه به صورت زیر است:

H_0 : بین اعضای غیرموظف هیأت مدیره (استقلال هیأت مدیره) با اجتناب مالیاتی رابطه مستقیم وجود دارد.

H_1 : بین اعضای غیرموظف هیأت مدیره (استقلال هیأت مدیره) با اجتناب مالیاتی رابطه مستقیم وجود ندارد.

نگاره (۶): نتایج آزمون فرضیه دوم

F-Static P. Value	Adjusted R-squared	R-squared	p-value	t-static	شرح
			۰.۰۰۲	۳.۱۰۲	عرض از مبدأ
۱.۹۱۳			۰.۰۲۷	۲.۱۱۸	Dual
۰.۰۴۷	۰.۳۴	۰.۳۵	۰.۰۲۴	-۲.۳۰۴	leverag
			۰.۰۰۲	۳.۹۰۸	Size

دورین واتسون

۱.۸۵۹۶

منبع: محاسبات محقق

در این فرضیه متغیر وابسته، اجتناب مالیاتی و متغیر مستقل، اعضای غیرموظف هیأت مدیره است. با توجه به نتایج نگاره شماره (۲) همبستگی بین اعضای غیرموظف هیأت مدیره و اجتناب

مالیاتی ۰.۰۵۳- بوده است. ضریب همبستگی، میزان تغییرپذیری در متغیر وابسته که می‌تواند به وسیله رگرسیون آن را توضیح داده شود، است.

آزمون معنادار بودن ضرایب همان چیزی است که پژوهشگر به دنبال آن است. در واقع این آزمون علاوه بر تعیین معناداری ضرایب، جهت اثر آن ضرایب بر متغیر وابسته را نیز تعیین می‌کند. آماره مربوط برای تعیین معناداری ضرایب، آماره t استیودنت است.

نتایج آزمون مدل تحقیق و آماره t مزبور به فرضیه اول در نگاره شماره (۶) نشان داده شده است. نتایج این جدول بیان می‌کند که مقدار آماره p -value برای متغیر فرضیه دوم، یعنی اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره ۰.۰۱۵ است. با توجه به این که سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش ۰/۰۵ بوده است، بنابراین متغیر یعنی اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره تأثیر معناداری بر اجتناب مالیاتی داشته است و فرضیه دوم پژوهش با اطمینان ۹۵٪ مورد تأیید قرار می‌گیرد.

ضریب متغیر مستقل یعنی اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره منفی است. در نتیجه، نوع رابطه بین اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره و اجتناب مالیاتی رابطه‌ای معکوس است. به بیان دیگر، با افزایش تعداد اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره، اجتناب مالیاتی کاهش می‌یابد.

همان‌گونه که در جدول (۶) مشاهده می‌شود، آماره F با سطح اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار است. بنابراین، مدل تحقیق در کل معنی‌دار بوده و متغیر وابسته توانایی توضیح متغیرهای مستقل و کنترل را دارد. علاوه بر این، ضریب تعیین تعدیل‌شده حاصل از آزمون مدل ۰.۳۵ بوده است. این رقم نشان می‌دهد که حدوداً ۰.۳۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته یعنی اجتناب مالیاتی ناشی از متغیرهای مستقل و کنترل موجود در مدل بوده و ۰.۶۵ درصد دیگر تغییرات آن ناشی از سایر عوامل است.

همچنین ملاحظه مقادیر آماره دورین - واتسون (۱۸۶) مؤید این مطلب است که بین اجزا اخلاص مدل، خودهمبستگی وجود ندارد زیرا این مقادیر در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ می‌باشند.

فرضیه سوم:

بین دوگانگی نقش مدیرعامل (جدا بودن رئیس هیأت‌مدیره از مدیرعامل) با اجتناب مالیاتی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

$$\text{Tax Avoid}_{it} = \beta_0 + \beta_1(\text{dual}_{it}) + \beta_2(\text{DR}_{it}) + \beta_3(\text{Size}_{it}) + \varepsilon_{it}$$

H_0 : بین دوگانگی نقش مدیرعامل (جدا بودن رئیس هیأت‌مدیره از مدیرعامل) با اجتناب مالیاتی رابطه مستقیم وجود دارد.

H_1 : بین دوگانگی نقش مدیرعامل (جدا بودن رئیس هیأت‌مدیره از مدیرعامل) با اجتناب مالیاتی رابطه مستقیم وجود ندارد.

نگاره (۷): نتایج آزمون فرضیه سوم

F-Static P.Value	Adjusted R- squared	R-squared	p-value	t-static	شرح
			۰.۰۱۴	۲.۴۶۹	عرض از مبدأ
۲.۱۴۷			۰.۰۱۳	-۲.۵۰	Independ
۰.۰۲۳	۰.۲۴	۰.۲۵	۰.۰۱۵	-۲.۱۲۹	leverag
			۰.۰۰۳	۲.۹۶۷	Size
۱۸۶۵۷			دورین واتسون		

منبع: محاسبات محقق

در این فرضیه متغیر وابسته، اجتناب مالیاتی و متغیر مستقل، دوگانگی نقش مدیرعامل است. با توجه به نتایج نگاره شماره (۲) همبستگی بین دوگانگی نقش مدیرعامل و اجتناب مالیاتی ۰.۰۱۵ بوده است.

نتایج آزمون مدل تحقیق و آماره t مربوط به فرضیه سوم در نگاره شماره (۷) نشان داده شده است. نتایج این جدول بیان می‌کند که مقدار آماره p -value برای متغیر فرضیه سوم، یعنی نسبت دوگانگی نقش مدیرعامل ۰.۰۱۳ است. با توجه به این که سطح خطای در نظر گرفته شده برای این پژوهش ۰/۰۵ بوده است، بنابراین متغیر دوگانگی نقش مدیرعامل تأثیر معناداری بر اجتناب مالیاتی داشته است و فرضیه سوم پژوهش با اطمینان ۹۵٪ مورد تأیید قرار می‌گیرد.

ضریب متغیر مستقل یعنی دوگانگی نقش مدیرعامل، مثبت است. در نتیجه، نوع رابطه بین دوگانگی نقش مدیرعامل و اجتناب مالیاتی رابطه‌ای مستقیم است. به بیان دیگر، با جدا بودن مدیرعامل و رئیس هیأت‌مدیره، میزان اجتناب از پرداخت مالیات افزایش می‌یابد.

همان‌گونه که در نگاره (۷) مشاهده می‌شود، آماره F با سطح اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار است. بنابراین، مدل تحقیق در کل معنی‌دار بوده و متغیر وابسته توانایی توضیح متغیرهای مستقل و کنترل را دارد. علاوه بر این، ضریب تعیین تعدیل شده حاصل از آزمون مدل ۰.۲۵ بوده است. این رقم نشان

می‌دهد که حدوداً ۰.۲۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته یعنی اجتناب مالیاتی ناشی از متغیرهای مستقل و کنترل موجود در مدل بوده و ۰.۷۵ درصد دیگر تغییرات آن ناشی از سایر عوامل است. همچنین ملاحظه مقادیر آماره دوربین- واتسون (۱.۸۶۵۷) مؤید این مطلب است که بین اجزا اخلاص مدل، خودهمبستگی وجود ندارد زیرا این مقادیر در فاصله ۱/۵ تا ۲/۵ می‌باشند.

۸. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نگاره ۸: خلاصه نتایج حاصل از آزمون فرضیات تحقیق

فرضیات	شرح فرضیه	ضریب	آماره t	p.value	نتیجه آزمون	نوع رابطه
فرضیه اول	بین اندازه هیأت‌مدیره با اجتناب مالیاتی رابطه معنادار وجود دارد	0.0046	۲.۸۱۹	۰.۰۰۲	تأیید فرضیه	مستقیم
فرضیه دوم	بین اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره (استقلال هیأت‌مدیره) با اجتناب مالیاتی رابطه معنادار وجود دارد.	0.0032	۲.۱۱۸	۰.۰۲۷	تأیید فرضیه	معکوس
فرضیه سوم	بین دوگانگی نقش مدیرعامل (جدا بودن رئیس هیأت‌مدیره از مدیرعامل) با اجتناب مالیاتی رابطه معنادار وجود دارد.	-0.01448	-۲.۵۰	۰.۰۱۳	تأیید فرضیه	مستقیم

یکی از موارد مهم برای منابع درآمدی آینده، مالیات است. مالیات علاوه بر تأمین مالی مورد نیاز دولت نقدینگی را نیز کنترل کرده و ضمن توزیع بهتر درآمد و ثروت کشور آن‌ها را در محل‌های مناسب خرج می‌کند. در کشورهای در حال توسعه مثل ایران درآمدهای مالیاتی پس از درآمدهای نفتی از اهمیت خاصی برخوردارند. از طرف دیگر ترکیب درآمدهای مالیاتی به علت عوامل اقتصادی و فرهنگی و تاریخی از یک کشور به کشور دیگر متفاوت است، هرچند بر اساس تحقیقات به عمل آمده، کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای صنعتی در امر وصول مالیات از تزلزل بیش‌تری برخوردارند. مسلماً در وصول مالیات‌ها در کشورهای در حال توسعه باید نکات مهمی را در نظر گرفت. به عنوان مثال سهم هر فرد در پرداخت مالیات باید متناسب با درآمد و یا ثروت وی باشد.

فرار از پرداخت مالیات در کشورهای در حال توسعه امری شایع است که عمدتاً به دلیل دشواری جمع‌آوری اطلاعات مربوط به درآمد، تولید، مبادلات، اسناد مالکیت و ارث در این گونه کشورها مرتبط می‌شود. در این کشورها اخذ مالیات برای بسیاری از مردم یک مفهوم عجیب ناخوشایند و گاهی نیز غیرقابل درک به شمار می‌رود که این امر یعنی سرسختی در پرداخت مالیات و تنها شمار اندکی از مردم علاقه‌مند به پرداخت مالیات هستند. میل به فرار مالیات به انگیزه‌های فرهنگی و پایین بودن سطح فرهنگ مالیاتی در جامعه و در عین حال انگیزه‌های اقتصادی مربوط می‌شود.

شواهد تجربی حاکی از آن است که شرکت‌ها تمایل به کاهش تعهدات مالیاتی خود دارند. اجتناب مالیاتی از جمله سیاست‌هایی است که می‌تواند مورد استفاده شرکت‌ها قرار گیرد و با کاهش مالیات، عملکرد و ارزش شرکت را بهبود بخشد. با این حال، باید توجه نمود که اقدامات و استراتژی‌های مالیاتی شرکت‌ها می‌تواند پیامدهای مطلوب و نامطلوب مختلفی برای شرکت در پی داشته باشد. تئوری نمایندگی اذعان می‌دارد که مدیران به عنوان نمایندگان مالکان وظیفه دارند در راستای حداکثر کردن ارزش شرکت گام بردارند و با در نظر گرفتن سهامداران به عنوان مرکز ثقل؛ به سایر گروه‌های ذی‌نفع نیز توجه نمایند. همچنین به این نکته باید توجه نمود که ممکن است بازار و سایر گروه‌ها نیز به شرکت‌هایی که اقدامات اجتناب مالیاتی انجام می‌دهند، واکنش منفی نشان دهند و این اقدامات شهرت منفی برای شرکت به وجود آورد. بررسی سایر مواردی که می‌تواند بر این موضوع و رابطه مؤثر باشد، مستلزم پژوهش‌های جداگانه و بیشتر است. این پژوهش، رابطه راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی را مورد بررسی قرار می‌دهد.

نتایج تحقیق حاضر که در سه فرضیه نظام راهبری شرکتی شامل اندازه هیأت‌مدیره، اعضای غیرموظف هیأت‌مدیره، جدا بودن رئیس هیأت‌مدیره از مدیرعامل با اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار داده است.

نتایج فرضیه اول حاکی از این است که بین نظام راهبری شرکتی و اجزاء آن شامل اندازه هیأت‌مدیره با اجتناب مالیاتی شرکت‌ها رابطه مستقیم وجود دارد. و مدیران شرکت‌ها، به منظور بهره‌مندی و یا دریافت مزایا و همچنین راضی نگه داشتن سهامداران جزء و کل سیاست‌های خود را در جهت کاهش مالیات پرداختی طرح‌ریزی می‌کنند. شواهد تجربی نشان می‌دهد که هیچ‌گونه

اتفاق نظری در مورد اندازه بهینه هیأت مدیره وجود ندارد. گودستین و همکاران^۱ (۱۹۹۴) دریافته‌اند که هیأت مدیره‌های کوچک‌تر بین ۴ الی ۶ عضو می‌توانند مؤثرتر باشند، زیرا به واسطه کوچک بودن، قادرند تصمیمات راهبردی به‌موقع‌تری اتخاذ نمایند. تعداد اعضای هیأت مدیره باید محدود باشد تا امکان بحث و تبادل نظر در خصوص مسائل و مشکلات شرکت مهیا گردد. هیأت مدیره‌های بزرگ‌تر از قدرت کمتری برخوردارند. در این گونه هیأت مدیره‌ها، توافق و اجماع در مورد یک موضوع خاص بسیار دشوار است. از طرف دیگر عده‌ای بر این عقیده‌اند که اندازه هیأت مدیره باید به اندازه کافی بزرگ باشد تا دربردارنده طیفی از مهارت‌ها و تجارب افراد گوناگون باشد. در نتیجه نمی‌توان حالت بهینه‌ای را برای اندازه هیأت مدیره در نظر گرفت. اما آنچه که مشخص است این است که هیأت مدیره باید اندازه معقول داشته باشد. بیسلی^۲ (۱۹۹۶) بیان می‌کند که امکان تقلب حسابداری با اندازه هیأت مدیره افزایش می‌یابد. یرماک^۳ (۱۹۹۶) به طور مشابه نشان داد که هیأت مدیره کوچک مؤثرتر از هیأت مدیره بزرگ است. این منطقی است که فرض کنیم که در یک هیأت مدیره بزرگ‌تر امکان استراتژی اجتناب مالیاتی افزایش یابد.

نتایج حاصل از این فرضیه، با نتایج تحقیق قایمی و شهریاری (۱۳۸۸)، باباجانی و عیدی (۱۳۸۹)، جهرمی (۱۳۹۱)، مهرانی و سیدی (۱۳۹۱)، فریز و همکاران (۲۰۰۶)، دسای و همکاران (۲۰۰۷)، سارتوری (۲۰۰۸)، دسای (۲۰۰۹)، وانگ (۲۰۱۰) و ریچاردسون (۲۰۱۱) همخوانی دارد.

نتایج فرضیه دوم حاکی از این است که بین نظام راهبری شرکتی و اعضای غیرموظف هیأت مدیره با اجتناب مالیاتی شرکت‌ها رابطه معکوس وجود دارد. در حالی که مدیران موظف، اطلاعات ارزشمندی درباره فعالیت‌های شرکت ارائه می‌کنند، مدیران غیرموظف با دیدگاه حرفه‌ای و بی‌طرفانه، در مورد تصمیم‌گیری‌های مدیران مذکور به قضاوت می‌نشینند. بدین ترتیب، هیأت مدیره شرکت با دارا بودن تخصص، استقلال و قدرت قانونی لازم، یک سازوکار بالقوه توانمند حاکمیت شرکتی به حساب می‌آید و می‌تواند در کاهش سطح اجتناب از مالیات نقش مؤثری را ایفا نمایند.

1. Goodstein Et al.
2. Beasley
3. Yermack

با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان ادعا نمود که وجود اعضای غیرموظف در شرکت‌ها به‌عنوان یک کنترل در جهت ایفای تعهدات مالیاتی شرکت‌ها عمل می‌کند نتایج حاصل از این فرضیه، با نتایج تحقیق با نتایج تحقیق قایمی و شهریاری (۱۳۸۸)، باباجانی و عیدی (۱۳۸۹)، جهرومی (۱۳۹۱)، مهرانی و سیدی (۱۳۹۱)، فریز و همکاران (۲۰۰۶)، دسای و همکاران (۲۰۰۷)، سارتوری (۲۰۰۸)، دسای (۲۰۰۹)، وانگ (۲۰۱۰) ریچاردسون (۲۰۱۱) همخوانی دارد و با تحقیق آرمسترانگ و همکاران همخوانی ندارد.

نتایج فرضیه سوم حاکی از این است که جدا بودن رئیس هیأت‌مدیره از مدیرعامل با اجتناب مالیاتی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد.

فرضیه پاداش مدیریت^۱ که یکی از فرضیه‌های تئوری اثباتی است که بیان می‌دارد، اگر بر حسب یکی از معیارهای عملکرد، نظیر سود حسابداری به مدیر پاداش داده شود، آنگاه وی تلاش خواهد کرد تا از روش‌های حسابداری استفاده کند که سود و در نتیجه پاداش او افزایش یابد. اگر مبالغ پرداختی به مدیر به طور مستقیم بر اساس ارقام حسابدار (مانند سود، فروش، دارایی‌ها) محاسبه شود، هرگونه تغییر در روش‌های حسابداری که شرکت از آن‌ها استفاده می‌کند، ممکن است بر مبالغ پرداختی پاداش مدیر تأثیرگذار باشد. بنابراین مدیران در تلاش خواهند بود تا از رویه‌های حسابداری استفاده کنند که موجب افزایش پاداش آن‌ها شود. از آنجا که هیأت‌مدیره درصد افزایش سرمایه خود است با اتخاذ تصمیمات اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند زمینه افزایش سود را فراهم نمایند که نتیجه آن افزایش پاداش‌های پرداختی به هیأت‌مدیره است که همین امر تأییدکننده نتایج فرضیه سوم است. نتایج حاصل از این فرضیه، با نتایج تحقیق قایمی و شهریاری (۱۳۸۸)، باباجانی و عیدی (۱۳۸۹)، جهرومی (۱۳۹۱)، مهرانی و سیدی (۱۳۹۱)، فریز و همکاران (۲۰۰۶)، دسای و همکاران (۲۰۰۷)، سارتوری (۲۰۰۸)، دسای (۲۰۰۹)، وانگ (۲۰۱۰) ریچاردسون (۲۰۱۱) همخوانی دارد

1. Bonus plan hypothesis

منابع

- باباجانی، جعفر، عبدی، مجید (۱۳۸۹). رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکت‌ها. *مجله پژوهش‌های حسابداری مالی*. سال ۲، شماره ۳، ۶۵-۸۶.
- حساس یگانه، یحیی، خیرالهی، مرشید (۱۳۸۷). حاکمیت شرکتی و شفافیت. *مجله حسابداری*، شماره ۲۰۳. ۷۴-۷۹.
- دوانی، غلامحسین. (۱۳۸۴). *حسابداری مالیاتی*، تهران: انتشارات کیومرث، چاپ پنجم.
- رحمتی نودهی، رسول. (۱۳۹۴). *روزنامه دنیای اقتصاد* - شماره ۳۵۳۵.
- قایمی، محسن، شهریاری، سعید (۱۳۸۸) ساختار مالکیت خصوصی مدار بر کیفیت سود و عملکرد بلندمدت پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات ۱-۵۳.
- مهرانی، ساسان، سیدی، سید جلال (۱۳۹۳). بررسی تأثیر مالیات بر درآمد و حسابداری محافظه کارانه بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها. *فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، سال ۳، شماره ۱۰. ۱۵۹-۱۸۴.
- مشایخی، بیتا، صبری، علی پناه، (۱۳۹۴). تأثیر راهبری شرکتی بر رابطه بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، سال ۷، شماره ۲۵. ۷۰-۵۵.
- Beasley, M.S. (1996), An Empirical Analysis of the Relation Between the Board of Director Composition and Financial Statement Fraud. *The Accounting Review*, 71(4), 443-465.
- Chen, S., X. Chen, Q. Cheng, and T. Shevlin. (2010). Are family firms more tax aggressive than non-family firms? *Journal of Financial Economics*, 95:41-61.
- Desai, M.A., and D. Dharmapala. (2006)a. Corporate tax avoidance and high-powered incentives. *Journal of Financial Economics*, 79: 145-179.
- Desai, M. A., and D. Dharmapala, (2009), Corporate Tax Avoidance and Firm Value, *The Review of Economics and Statistics*, PP. 91.
- Goodstein, J., Gautam, K. and Boeker, W. (1994). The effect of board size and diversity on strategic change. *Strategic Management Journal*, 15, 241-250.
- Gravile, J. G (2009). Tax Havens: International Tax Avoidance and Evasion. Congressional Research Service Report for US Congress.

- Hanlon, M. and T. Shevlin. (2005). *Book-tax conformity for corporate income: An introduction to the issues tax policy and the economy* No. 19, 2005, edited by James M. Poterba. National Bureau of Economic Research, Cambridge, MA. Invited paper. Working paper, [Online]. www.ssrn.com
- Sartori, Nicola. (2008) effects of strategic tax behaviors on corporate governance, September, university of Michigan.
- Yermack, D. (1996), Higher Market Valuation of Companies with a Small Board of Directors. *Journal of Financial Economics*, 40(2), 85–211.

